گفت‌وگوی «جوان» با حامد رزاقی از رزمندگان جانباز مدافع حرم

عملیات خان طومان باعث شهرت لشکر ۲۵ کربلا در میان تکفیری‌ها شد

رزاقی نفر پشت سر حاج قاسم

هنگام اعزام به سوریه متأهل بودید؟ فرزند هم داشتید؟

بله، بار اول که آذر ۱۳۹۴ بود به سوریه رفتم ۳۲ ساله و متأهل بودم. دخترم حلما تازه به دنیا آمده بود و دختر بزرگم هم شش ساله بود. اعزام دومم هم در ۱۵ فروردین ۹۵ بود. هر دفعه مسئولیت دسته را برعهده داشتم.

شما چه زمانی وارد منطقه خان طومان شدید؟

روز سیزده بدر سال ۹۵ من خانه بودم و اقوام همسرم منزل ما بودند. همان روز فرمانده‌ام تماس گرفتند که آمادگی داری برای عملیات جعفر طیار به سوریه بروی؟ من از خدا خواسته قبول کردم و یک ساعت بعد در پادگان لشکر ۲۵ کربلای مازندران حاضر شدم و با شهید حسین بواس و چند نفر دیگر از بچه‌ها آماده شدیم و شب به تهران رفتیم. ۱۵ فروردین هم به سوریه اعزام شدیم. بحث عملیات خان طومان سوریه با اعزام قبلی‌ام خیلی فرق می‌کرد. اعزام اول بیشتر به عنوان نیروی آفند یعنی به عنوان نیروی حمله کننده فعالیت داشتم و ابتکار عمل دست خودمان بود ولی در عملیات خان طومان برعکس این قضیه بود و به عنوان نیروی پدافند نقش داشتیم و باید از منطقه دفاع می‌کردیم. خان طومان فوق العاده منطقه سوق الجیشی و از لحاظ استراتژیک و راهبردی مهم بود. قبل از ما، رزمندگان لشکر ۱۹ فجر در خان طومان حضور داشتند و چندین مرتبه تکفیری‌ها حمله کرده ولی موفق به گرفتن منطقه نشده بودند. روز ۱۶ فروردین که ما به عملیات اعزام شدیم باز هم تروریست‌ها یک عملیات مختصری علیه رزمندگان انجام دادند و آتش خمپاره ریختند، اما نتوانستند کاری انجام دهند. روز ۲۱ فروردین عملیات خان طومان ادامه داشت که بنده در این عملیات مجروح شدم و برادران عزیزم حسین بواس و محمدتقی سالخورده به شهادت رسیدند.

بچه‌های ما در خان طومان شهدای زیادی داده‌اند. شما به عنوان یک شاهد عینی آنجا چه دیدید؟

روز درگیری از هر گردانی چند نفری را انتخاب کردند چون تپه‌هایی وجود داشت که نفرات باید آنها را از دست داعشی‌ها آزاد می‌کردند. به ما گفتند شما چند نفر آماده باشید که اگر نیاز شد شما را به خط مقدم انتقال دهیم. ما وسایل نظامی را تحویل گرفتیم و شب را آنجا ماندیم و صبح که شد دیدیم خبری از حمله نشد. کمی بعد فرمانده‌مان تماس گرفت که آماده باشید می‌خواهیم به خط برویم. اوضاع خط خوب نبود. با شهید رضا حاجی زاده منتظر بودیم تا بچه‌ها دنبالمان بیایند. خیلی نگذشت که شهید حسین بواس و برادر مهدی تبار با ماشین دنبال ما آمدند. با جانباز شهید فرشید عزیزی سوار ماشین شدیم و مستقیم به خط رفتیم. خط خیلی شلوغ شده بود. آنجا حتی رزمندگان فاطمیون هم حضور داشتند. ما حدود ۱۲ نفر از بچه‌های لشکر ۲۵ کربلا بودیم و ۱۲۰ نفر از رزمندگان فاطمیون که به ما تحویل داده بودند. ساعت ۱۲ ظهر همان روز در خط قرار گرفتیم. آتش تهیه دشمن خیلی زیاد بود. تکفیری‌ها هجوم خود را با اجرای تهیه آتش سنگین و با بارش انواع گلوله‌های پشتیبانی، مستقیم، کالیبرها، راکت اندازها و... شروع کرده بودند.

همانجا مجروح شدید؟

بله، آن روز دشمن حدود دو ساعت تمام آتش تهیه اجرا کرد. تمام جبهه خان‌طومان، به صورت دود و غبار و آتش شده بود. مردان جهادی یگان ویژه ۲۵ کربلا همچون سدی فولادین مقابل آنها ایستاده بودند. تکفیری‌ها هم خمپاره ۸۱ میلیمتری و هم کپسول‌های جهنمی می‌زدند. ما چند نفر به همراه ۱۲ نفر از رزمندگان فاطمیون تقسیم شدیم تا بتوانیم بخشی از خط را تحویل بگیریم. این بخشی که ما بودیم محل شهادت رضا حاجی‌زاده هم بود. آن روز تانک‌های تکفیری خیلی جلوی ما رژه می‌رفتند و آماده انتقال نیروهایشان به نفربر بودند. وقتی درگیری شروع شد، کنترل نیروها هم کمی سخت‌تر شد. تانک‌های تکفیری طرف ما راه افتادند و دشمن با تیربار، کلاش و آرپی‌جی ۷ تیراندازی می‌کرد و بنده دائم موضع خود را تغییر می‌دادم. یک لحظه توجهم به چهره یک رزمنده جوان فاطمی خیره شد. سنش نسبت به بقیه خیلی کمتر بود و انگار از شرایط سخت درگیری ترسیده بود. رفتم به او دلداری دادم. آمدم دوباره به سمت تکفیری‌ها تیراندازی کنم که خمپاره دست‌ساز جهنمی دشمن در چهار متری‌ام افتاد. یک لحظه حس کردم روی هوا هستم. سمت دیواری پرتاب شدم و چند دقیقه‌ای نشستم. هیچ صدایی نمی‌شنیدم. حالت تهوع پیدا کردم و یک ربع بعد توانستم خودم را تکان بدهم. دنبال آبی بودم که به سر و صورتم بزنم اما چیزی پیدا نکردم. خودم را با هر مشقتی بالای خاکریز رساندم. دیدم تانک‌های تکفیری‌ها جلو آمده‌اند و آرپی جی من هم تمام شده بود. فقط توانستم به صورت تک تیرانداز با دشمن درگیر شوم و از خود دفاع کنم. حدود ۲۰۰ متری با خط اصلی فاصله داشتم و با سختی خود را به مقر رساندم. حالم به علت موجی که اعصابم را درگیر کرده بود خیلی بد بود. کنار جاده دراز کشیده بودم و برادر دیگری هم کنار من افتاده بود. فکر کردم زخمی است. هرچه صدایش کردم جوابم را نداد. شهید رجایی‌فر که با ماشین آمده بود در منطقه مهمات تقسیم کند بنده را کنار جاده دید که درازکش هستم. مرا بلند کرد و در ماشین گذاشت. آنجا فهمیدم آن برادری که کنارم بود شهید شده است.

همرزمانی که آنجا به شهادت رسیدند چه کسانی بودند؟

رزمندگان تا دو روز بعد درگیر حمله تکفیری‌ها بودند. حین آتش تهیه دشمن، عزیزانی چون محمدتقی سالخورده، حسین بواس، سیدسجاد خلیلی و تعدادی از برادران فاطمیون به شهادت

تمام جبهه خان‌طومان، به صورت دود و غبار و آتش در آمده بود. مردان جهادی یگان ویژه ۲۵ کربلا همچون سدی فولادین مقابل آنها ایستاده بودند. تکفیری‌ها هم خمپاره ۸۱ میلیمتری و هم کپسول‌های جهنمی که دست‌ساز بودند می‌زدند اما ما مقاومت می‌کردیم...

رسیدند اما مقاومت و عملیات هجومی رزمندگان یگان ویژه ۲۵ کربلا آنچنان ضربه‌ای به دشمن تکفیری و اربابانش وارد کرد که در تمام شبکه‌های فضای مجازی بیگانگان و گروه‌های تکفیری به معرفی لشکر ۲۵ کربلا به عنوان لشکر ایرانی دوران دفاع مقدس پرداخته شد.

الان هم عوارض مجروحیت اذیت‌تان می‌کند؟

از همان روز ۲۱ فروردین ۹۵ که در خان طومان سوریه با موج انفجار مجروح شدم، تا الان که حدود شش سال است تحت درمان هستم. ماهی دو بار به بیمارستان بقیه‌الله تهران می‌روم و تحت نظر پزشک هستم. در حال حاضر ۴۹ درصد جانبازی از سازمان دارم، ولی متأسفانه بنیاد شهید هیچ کاری برایم انجام نداده است. البته بنده دنبال درصد جانبازی نبودم، مهم قرب الهی است که ان‌شاءالله مورد قبول خدا قرار بگیرد. دکتر در حال حاضر بنده را برای رفتن به سرکار منع کرده است. چوان واقعاً محیط کار و شلوغی حالم را آشفته می‌کند. کمیسیون عالی سپاه هم مرا از ورزش و مأموریت و حمل سلاح و... منع کرده است. گفته‌اند فقط بروم سرکار و برگردم. بنده بعضی اوقات سرکار می‌روم و تا جایی که توان داشته باشم حضور دارم. شرایط جانبازی‌ام روی خانواده هم تأثیر منفی گذاشته تا جایی که دخترم افت تحصیلی پیدا کرده است. کسی هم از اوضاع و شرایط ما سراغی نمی‌گیرد ولی خدا را شاکر هستم همین که خانواده، سایه مرد را در زندگی خود حس می‌کنند بنده را آرام می‌کند.

پیش از مجروحیت‌تان در عملیات دیگری هم حضور داشتید؟

در آذر ۹۴ دو ماهی که در سوریه بودم، توانستم در عملیات کارخانه مهمات شرکت داشته باشم. در این عملیات شهدایی همچون شهید حاج اسماعیل خانزاده را داشتیم که لازم است بگویم با این شهید ارتباط بسیار نزدیکی داشتم. ایشان در شب شهادتش تا صبح مقتل آقا اباعبدالله (ع) را گرفته و می‌خواند و با بیشتر بچه‌ها خداحافظی کرده بود. انگار که می‌دانست در عملیات کارخانه حتماً به شهادت می‌رسد. در این عملیات تمام نیروهای دشمن با حرکات تاکتیکی و نظامی رزمندگان ما در دره‌ای جمع شده بودند. این دره جای خاصی بود که به خان طومان سوریه مشرف بود و در صورت گرفتن این دره، خان طومان هم آزاد می‌شد. تکفیری‌ها از قبل در این دره برای خودشان پناهگاه ساخته بودند. ادوات‌شان هم آنجا مستقر شده بود. وقتی ما این منطقه را گرفتیم، غروب و هوا تاریک شده بود. مه غلیظی هم بود طوری که دو متری‌مان را نمی‌دیدیم اما می‌شنیدیم که از پایین دره صداهای وحشتناکی می‌آید. داعشی‌ها با زبان عربی به هم فحش می‌دادند و همدیگر را نفرین می‌کردند. فردای آن روز بچه‌های حزب‌الله لبنان مأمور شدند داخل این دره بروند و پاکسازی انجام دهند. ما پشت بیسیم می‌شنیدیم که می‌گفتند «الله اکبر یا امام حسین چقدر اینجا جنازه داعشی است.» آنجا متوجه شدیم واقعاً اگر خدا بخواهد همه چیز امکانپذیر است. نیروهای دشمن خودشان را با دست خودشان به هلاکت رسانده بودند و توسط آن مه که به خواست خدا ایجاد شده بود، دید دشمن نسبت به یکدیگر کم شده بود و آنها به سمت نیروهای خودشان شلیک کرده بودند. اگر آنها با تعداد کثیری که داشتند به ما حمله می‌کردند، با تعداد کمی که ما داشتیم قطعاً تلفات زیادی می‌دادیم اما ما این عملیات را تنها با شش شهید انجام دادیم. شهیدان اسماعیل خانزاده، محمد شالیکار و عبدالرحیم فیروزآبادی از شهدای ایرانی آنجا بودند.

شما یک عکس با حاج قاسم سلیمانی دارید، درباره آن عکس بگویید.

آذر ماه ۹۴ محل استقرار یگان ما «الحاضر» بود. از سابقه که رد می‌شدیم، سمت چپ منطقه نقطه رهایی برای عملیات «وادی ترک» در باغ مثلثی بود. در این عملیات بعد از دو، سه روز وادی ترک آزاد شد. شهیدان شیخ‌الاسلام، مرادی و صحرایی آنجا آسمانی شدند. بعد از اینکه ما به خط تسلط پیدا کردیم، سردار شهید حاج قاسم سلیمانی به الحاضر آمدند و در جمع بچه‌های لشکر ۲۵ قرار گرفتند تا به بچه‌ها خدا قوت بگویند. آنجا با ایشان عکس یادگاری انداختیم.

شکوفه زمانی

عملیات خان طومان از سوی جبهه مقاومت اسلامی در برابر تروریست‌ها یی انجام گرفت که قصد تصرف خان طومان را داشتند. خان طومان نام یک روستا در نزدیکی بزرگراه حلب- دمشق است که دارای اهمیت استراتژیک برای هر دو طرف درگیری بود. حامد رزاقی هریکنده از رزمندگان اعزامی لشکر ۲۵ کربلای مازندران دو مرتبه به سوریه اعزام و در کربلای خان‌طومان نیز مجروح شد. او در گفت‌وگو با ما به بیان خاطرات و شرحی از واقعه خان طومان می‌پردازد.

روز سیزده بدر سال ۹۵ من خانه بودم و اقوام همسرم منزل ما بودند. همان روز فرمانده‌ام تماس گرفتند که آمادگی داری برای عملیات جعفر طیار به سوریه بروی؟ من از خدا خواسته قبول کردم و یک ساعت بعد در پادگان لشکر ۲۵ کربلای مازندران حاضر شدم

یادکرد

یادکردی از سردار شهید محمد ناظری که ۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۵ آسمانی شد

تکاوری که حاج قاسم را آموزش داده بود

زهرا محمدزاده

۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۵ بود که خبر رسید حاج محمد ناظری به دوستان شهیدش پیوسته است. او چهره‌ای رسانه‌ای بود و علاوه بر بازی در فیلم «موج مرده» حاتمی‌کیا در مستند تلویزیونی «مسابقه فرمانده» نیز به ایفای نقش پرداخت که باعث شهرت او شد. اما حتی در آن زمان نیز بسیاری از مردم نمی‌دانستند که این استاد و فرمانده تکاوران نیروی دریایی سپاه، چه گذشته پرافتخاری در دفاع مقدس و پس از آن دارد.

سردار شهید محمد ناظری انسانی چند بُعدی بود. اغلب خبرنگاران حوزه ایثار و مقاومت به یاد دارند که او حتی اگر در شرایط سختی هم بود، پاسخگوی اصحاب رسانه می‌شد و با آنها گفت‌وگو می‌کرد. حاج محمد بچه جنوب شهر تهران بود. همین اواخر که به بارگاه امامزاده حسن(ع) در جنوب غرب تهران رفته بودم، تصویری از او در حیاط امامزاده دیدم. قدیمی‌های این محله نیز حاج محمد را می‌شناسند و خاطراتی از او به یاد دارند.

شهید ناظری متولد ۱۳۳۳ در جنوب تهران بود. از آن بچه‌های جنوب شهری تر و فرز که انگار برای کارهای عملیاتی زاده شده بود! با آن سر نترسش در جریان مبارزات انقلابی به دل خطر می‌رفت و از چیزی باک نداشت. بعد از پیروزی انقلاب، او جزو اولین کسانی بود که آموزش‌های کماندویی را پشت سر گذاشت و از آن به بعد به یکی از مربی‌های درجه یک آموزش نظامی تبدیل شد. تا آنجا که بسیاری از فرماندهان دفاع مقدس، جزو شاگردان او بودند. حتی سردار شهید حاج قاسم سلیمانی نیز در سخنانی به دوره آموزشی که زیر نظر شهید ناظری گذرانده اشاره کرده بود.

شوق حاج محمد برای پاسداری از انقلاب و سر نترسی که داشت، باعث شده بود در هر آوردگاهی که احساس نیاز بود، ورود کند و با ضد انقلاب و گروهک‌ها بجنگد. از آمل گرفته تا گنبد و کردستان در بسیاری از مناطق مرزی حضور یافته و با دشمن جنگیده بود. بنابراین وقتی جنگ تحمیلی با حمله عراق بعثی شروع شد، او کوله باری از تجربیات جنگی داشت.

در طول دوران دفاع مقدس، شهیدناظری از تخصصی که در امور جنگ‌های نامنظم داشت استفاده کرد و از قصر شیرین گرفته تا عمق خاک عراق، در عملیات نامنظم و کماندویی شرکت کرد. از اواسط دفاع مقدس که رزمندگان قرارگاه رمضان توانسته بودند به عمق شمال عراق نفوذ کنند و عملیات برون مرزی انجام بدهند، شهید ناظری نیز در این عملیات شرکت می‌کرد و به همراه دیگر رزمنده‌ها ضربات مهلکی به چاه‌های نفت و صادرات نفت عراق در شمال این کشور زد.

چون در سال‌های پایانی دفاع مقدس حضور امریکایی‌ها در خلیج فارس تجربه شده بود و پس از آن نیز ایالات متحده به دو کشور همسایه ایران یعنی افغانستان و عراق حمله کرد، احساس نیاز شد تا یگان مجازیی در نیروی دریایی سپاه تشکیل شود. این یگان باید از نیروهای زبده‌ای تشکیل می‌شد که متناسب با تهدیدات زمانه با آن مقابله می‌کرد. از این‌رو شهید ناظری از اواسط دهه ۸۰ مأمور تشکیل یگان ویژه جنگ‌های نامنظم نیروی دریایی سپاه پاسداران در خلیج فارس شد.

از اوایل دهه ۹۰ و با پخش مستند مسابقه فرمانده از شبکه افق، نام و چهره حاج محمد ناظری در میان مردم شناخته شد. در همین دوران بود که او با آن خلق خوشی که داشت، به گفت‌وگو با خبرنگاران می‌پرداخت و رسالت خود را در انتقال ارزش‌های دفاع مقدس به نسل‌های دیگر نیز انجام می‌داد. اما حیف که حاج محمد ناظری درست در زمانی که برای نسل جوان شناخته شده بود و هنوز جا داشت که نیروهای دیگری را آموزش دهد و تربیت کند، روز ۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۵ بر اثر جراحات حاصله از دوران دفاع مقدس پر کشید و به دوستان شهیدش پیوست.

سردار شهید محمد ناظری انسانی چند بُعدی بود. اغلب خبرنگاران حوزه ایثار و مقاومت به یاد دارند که او حتی اگر در شرایط سختی هم بود، پاسخگوی اصحاب رسانه می‌شد و با آنها گفت‌وگو می‌کرد. حاج محمد بچه جنوب شهر تهران بود

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۴۷۹

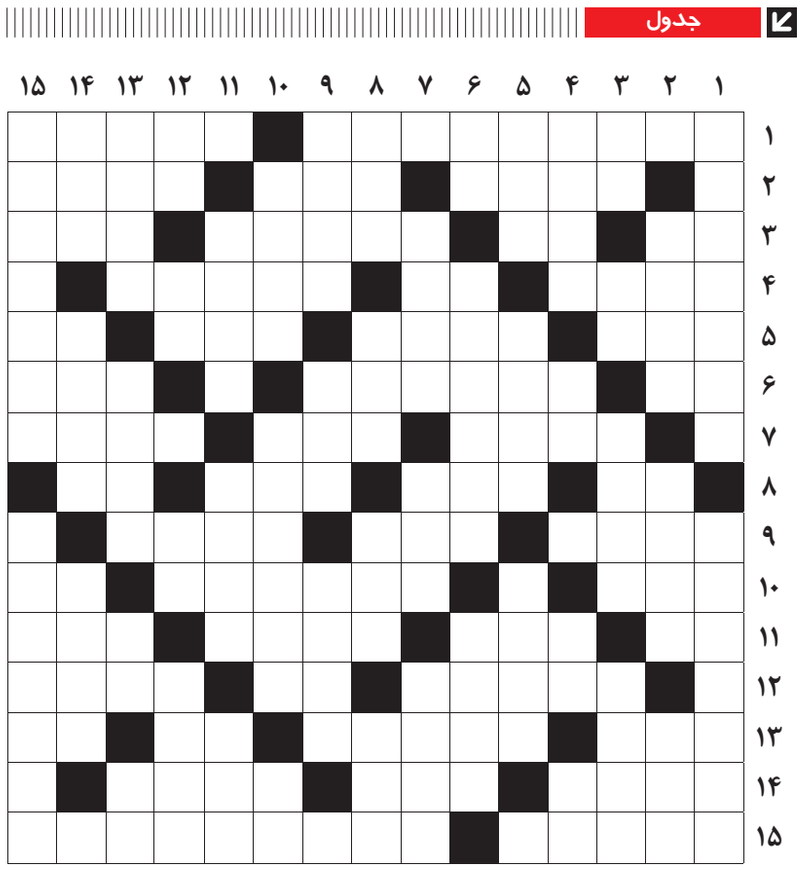

از راست به چپ

■ ۱- تعبیر خواب- رأی نه مثبت نه منفی ■ ۲- سربها- از شهرهای سیستان و بلوچستان- آب دهنده ■ ۳- مترادف چاق- دریا- این سبزی در کاهش اضطراب و بی‌خوابی مورد استفاده قرار می‌گیرد- پشت سر ■ ۴- سردرد- آخرین نت- میمون عظیم‌الجثه ■ ۵- جیوه- لبخند- سروش معروف است- یار گفت ■ ۶- از طوایف ایران- شهر سربداران- پرچم ■ ۷- سرایت‌کننده- شیشه آزمایشگاه- گل‌به‌سر جالیزی ■ ۸- ریه- الفت- مدد- عدد مهاجم ■ ۹- شجاع- میوه فصل تابستان- تیم فوتبالی در فرانسه ■ ۱۰- برگ دفتر- اتیکت- علامت مفعول ■ ۱۱- ضمیر انگلیسی- واحد شمارش احشام- ازدواج موقت- پس‌غذا ■ ۱۲- رنگین کمان- هنوز انگلیسی- از شهدای انقلاب اسلامی ■ ۱۳- انسان- بداندیشی- سوسن زرد- صابون خیاطی ■ ۱۴- خوش قد و قامت- شهری در آلمان- کوی ■ ۱۵- اجبار کردن- عاری از میکروب و ضدعفونی شده

از بالا به پایین

■ ۱- از القاب امام دوازدهم- پادزهر ■ ۲- دوراندیشی- کینه معروف- وصل کننده مخلوق به خالق ■ ۳- حرف بیزاری- صدمه و آسیب- خاور- اسب زرد ■ ۴- تازه- چاشنی غذا- رفوزه- یک و یک ■ ۵- واحد بازی والیبال- بیزاری- پایتخت آذربایجان ■ ۶- چله کمان- کلروفیل- اختصار کلمه سانتی متر مکعب ■ ۷- موی بلند سر- ربودن- حمام بخار ■ ۸- اسب رستم- دارایی- خیال- حشره خونخوار ■ ۹- جوان انگلیسی- قوچ- آینده ■ ۱۰- ناله و زاری- جلوگیری کردن- تلخ ■ ۱۱- زره‌ساز- کلبه- الهام؛ پیام غیبی ■ ۱۲- فلز سرخ- خار سر دیوار- پسوند شباهت- لوکس ■ ۱۳- علامت سوختگی- رهبر حزب- ساز عرفانی- صدازدن طلبکارانه ■ ۱۴- نواختن دف- شاهد- بزرگ‌ترین پهلوان داستانی ایران ■ ۱۵- دارای نانخور بسیار- اسبابی در ژیمناستیک

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

	۴		۸	۷				
	۵		۲					۴
						۷	۳	۱
			۹	۸			۱	
۳		۱	۷			۲		
۵				۳	۱			
	۸	۵						
						۱	۲	
				۲	۷		۶	

جدول کلمات متقاطع

پاسخ جدول شماره ۶۴۷۸

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	م	ن	ز	ل	ت	■	س	ل	ط	ا	ن	ا	ح	م	د
۲	ی	ر	ن	ا	■	م	ا	د	ر	ی	■	ب	ص	ی	ر
۳	د	و	ا	■	ر	ح	م	■	ا	ر	م	■	ن	ش	ا
۴	ا	ن	■	ش	ی	د	ا	■	ب	ن	د	ر	■	ی	م
۵	ن	■	س	ه	■	ب	ن	ب	ل	ا	■	س	ک	■	د
۶	د	ز	خ	ی	م	■	ی	ب	س	■	ق	ا	ی	م	■
۷	ا	ن	ا	ر	ش	ی	■	ر	■	ا	ل	م	ا	ن	ی
۸	ر	ر	■	■	ت	خ	م	■	ق	س	م	■	■	ش	ل
۹	ی	ا	س	م	ی	ن	■	ت	■	ا	ر	س	ن	ا	ل
۱۰	خ	ا	ص	خ	■	ا	س	ا	■	و	ر	ا	ت	ا	ی
۱۱	پ	■	م	و	■	م	س	ت	ت	ر	■	ن	س	■	و
۱۲	ه	ت	ر	ا	ح	ت	■	ا	م	ی	د	■	ک	ت	■
۱۳	ت	خ	م	■	ک	ت	ل	■	ت	و	ن	■	گ	ر	ل
۱۴	ا	ص	ل	ی	■	م	ا	ت	ر	ک	■	س	و	ا	ل
۱۵	ن	ص	ی	ر	ا	ل	م	ل	ک	■	پ	ی	ن	ک	ی

۷	۶	۵	۸	۱	۳	۴	۱	۹
۹	۱	۳	۷	۴	۵	۸	۶	۲
۴	۸	۲	۹	۶	۱	۷	۵	۳
۸	۲	۹	۱	۳	۶	۵	۴	۷
۶	۷	۱	۴	۵	۸	۹	۳	۲
۳	۵	۴	۲	۷	۹	۱	۸	۶
۱	۳	۸	۵	۹	۴	۲	۷	۶
۲	۹	۶	۳	۸	۷	۱	۵	۴
۵	۴	۷	۶	۲	۱	۳	۹	۸